

شهید مبارک زورقی



ازتبار علی
سازمان جامع سوادان و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	محمود
تاریخ تولد	۱۳۳۸/۰۱/۰۳
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۱/۲۲
محل شهادت	
مسئولیت	
نوع عضویت	
شغل	
تحصیلات	
مدفن	

زندگینامه

شهید مبارک زورقی در تاریخ ۱۳۳۸/۰۱/۰۳ در دیلم به دنیا آمد او در محیطی کاملاً مذهبی رشد کرد و تمام احکام اسلام با گوشت و پوست او چنان عجین شده بود که از همان ابتدا در اجرای احکام حساسیتی عجیب داشت. پدر و مادر جنان او را تربیت کرده بودند که در عین نیاز هیچ چشم داشتی به مال دنیا و بیت المال نداشت و از استفاده شخصی از بیت المال وحشت داشت، و اینها نیست جز نتیجه و ثمرهٔ لقمه ای حلال و طیب.

خاطرات

روحیات معنوی و تقیدات مذهبی :

در مورد مقام مؤذن روایتی است که هر کس اذان بگوید در قیامت تا هر مسافتی که صدای اذان او برود از چهار طرف زمین برای او گواهی و شهادت می دهد. شهید زورقی نیز به دلیل علاقه ای که به محیط با صفای مسجد داشت مؤذن مسجد بود و همیشه مراسمات دعا و قرآن را او قرائت می کرد. مسجد را منزل و مأوایی برای دلش می دانست چون در آن جا جسم و جاننش در نتیجه نزدیکی به خدا آرامش پیدا می کرد. پس می توان گفت که او دو مقام والا دارد مقام مؤذن و مقام شهادت.

شغل شهید:

شهید زورقی در اوایل انقلاب به استخدام اداره آموزش و پرورش در آمد و در آن جا مشغول به خدمت شد. او علاوه بر خدمت در آموزش و پرورش در بسیج و سپاه و تعاونی (کمک به محرومین) به صورت افتخاری کار می کرد.

وضعیت تأهل :

شهید زورقی حدود سالهای ۶۰-۵۹ ازدواج کرد و دو سالی زندگی مشترک داشت با وجود این که علاقه زیادی به همسر خود داشت و خود او را انتخاب کرده بود با این وجود به مقتضای موقعیت زمانی و نیاز که به این گونه انسانهای وارسته و والا بود اوقات خود را در جبهه و جنگ بود.

جبهه:

شهید زورقی از همان اوایل تحصیل فعالیت خود را در بسیج و سپاه شروع کرد و زمان شکل گیری انقلاب در راهپیماییهای ضد رژیم شاهنشاهی شرکت فعال داشت و در تبلیغات اسلامی دانشجویان نیز فعالیت می کرد. مبارک بعد از شهادت برادرش مرتضی انگیزه بهتری برای رفتن به جبهه و خدمت به اسلام داشت و درست یازده ماه بعد از شهادت او در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت و به مدت یک سال در جبهه بود. مبارک در آخرین اعزام در سال ۱۳۶۲ با مخالفت خانواده برای رفتن به جبهه مواجه شد مادر و پدرش و دیگر اعضای خانواده سعی می کردند مانع از رفتن او شوند ولی او تصمیم خود را برای رفتن به جبهه این بار نیز گرفته بود و به نحوی راضی به ماندن نبود. مادرش کاملاً با رفتن او مخالف بود و دلیل این مخالفت بیشتر این بود که می گفت: تو متأهل هستی و همسرت تحمل این دوری تو را ندارد و بر اثر عواطف مادرانه خود شب قبل از رفتن به او گفت: اگر بروی شیرم را حرامت می کنم. مادرش می گوید همان شب خودم از گفتن این حرف پشیمان شدم که چرا این حرف را زده ام چون او خود هدف و راه خود را انتخاب کرده بود. بلاخره فردا برای بدرقه او به خانه آنها رفتم به همراه خود پول و شکلات برده بودم و موقع برای شاد کردن او به روی سرش ریختم و گفتم برو پسرم ترا به خدا می سپارم. او خوشحال شد و سرو صورتش را بوسید و گفت: مادر انتظار من نیز از تو همین بود و از تو ممنونم و این آخرین دیدار مبارک با مادرش بود تا این که دوباره بعد از گذشت نه سال مفقودالاثر بودن به دیدار مادر آمد. او همیشه می گفت: اعتقاد ما با دشمن فرق دارد، ما خدا را داریم و باید برای رضای او جسم و جان خود را برای احیای اسلام به خطر بیندازیم.

مبارک در تاریخ ۲۲/۱/۱۳۶۲ در جبهه عین خوش مفقودالاثر گردید تا این که بعد از سالها دوری پیکر پاکش توسط گروه تفحص شناسایی شد که این مدارک در موقع شناسایی همراه او بود.

قرآن جیبی

جانماز و تسبیح

پلاک

کارت شناسایی که روی آن این مشخصات حک شده بود (مبارک زورقی - نام پدر: محمود تاریخ تولد: ۱۳۳۸ شش: ۲۶ تپ المهدی گردان ۹۰۴۱ روح الله گروهان ۳ و دسته یک - اعزامی از بندر دیلم

مردم دیلم بعد از سالها انتظار در نا باوری کامل در سال ۱۳۷۱ پیکر پاک مبارک را با دیدگانی پر اشک در آغوش گرفتن و او را در آن روز به بهترین نحو تشییع کردند. مادرش نیز در آن روز بالای سر او آمد و گفت: مبارک جان شهادت مبارک بعد از نه سال بی خبری خوش آمدی عزیزم.

ویژگیهای مدیریت و فرماندهی:

شهید زورقی با وجود شغل دولتی که داشت مسئولیتهای محوله را به نحو احسن انجام می داد و در تصمیم گیریها فقط ملاک او رضایت خدا بود و اگر کار او مورد رضای خدا بود نظر و عقیده دیگران بر تصمیم او تأثیری نداشت و در هر شرایطی حاضر بود خود و خانواده در سختی باشند ولی دیگران در آسایش و راحتی باشند.

او در استفاده از بیت المال بسیار حساس بود و حتی اگر تسلطی هم بر آن داشت آن را جز در راه حقیقی بیت المال مصرف نمیکرد. در طول دوران زندگی بسیار ساده زیست و دور از تجملات بود و کلامش قدرت نفوذ بسیار داشت و امر به معروف و نهی از منکر در رأس کارهای او بود و هر جا منکری را می دید امر به خیر و نی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران